

شایعه

رذیله دروغ، رذیله‌ای است که گناهش خیلی بزرگ است. در جلسات قبل دروغ را منقسم کردم به اقسامی؛ هفت قسم از این اقسام را فی الجمله درباره‌اش صحبت کردم...



شایعه (آیت الله مظاهری)

[مقدمه ای درباره دروغ]

رذیله دروغ، رذیله‌ای است که گناهش خیلی بزرگ است. در جلسات قبل دروغ را منقسم کردم به اقسامی؛ هفت قسم از این اقسام را فی الجمله درباره‌اش صحبت کردم: قسم اول تهمت راجع به خدا؛ دوم تهمت راجع به خلق خدا؛ سوم خدعه به خلق خدا؛ چهارم ربا و تظاهر؛ پنجم دروغ مفسده زاء، [ششم] دروغ بدون مفسده، [هفتم] دروغ حتی به شوخی که هفته گذشته روایت از پیغمبر اکرم خواندم که سه مرتبه فرمودند وای به آن کسی که هزلاً دروغ بگوید برای اینکه دیگران بخندند «؛ لا یجد مؤمن طعم الایمان حتی یدع الکذب جدّه أو هزله» و خیلی کمر شکن است انصافاً.

شیطان از کم شروع می‌کند، اما به کم قانع نیست نفس اماره از کم شروع می‌کند اما به کم قانع نیست و شیطان اول راجع به همین شبهات می‌آید.

تقاضایی که من از شما دارم روی این بحث‌ها بحث ان قلت قلت طلبه‌گی نکنید. بحث این که شیخ انصاری «؛ رضوان‌الله تعالی علیه» در مکاسب محرمه فرموده نکنید.

بحث تصور این که این روایت در نهج البلاغه چه می‌گوید «؛ و لا یجد مؤمن طعم الایمان حتی یدع الکذب جدّه أو هزله»، این فکر را بکنید؛ بعد هم هر کجا گیر کردید، شیخ انصاری‌ها به ما می‌گفتند که مشکلاتان را چگونه حل بکنید.

در آن روایتی که شیخ انصاری در بحث «؛ برائت» خیلی درباره‌اش مفصل صحبت کرده است «؛ حلال بین حرام بین شبهات بین ذلك و من ترك الشبهات نجی من المحرمات و من ارتكب وقع فی المحرمات و هلك من حیث لا یعلم» که مثل شیخ انصاری، مثل حضرت امام (ره)، اینهایی که وارد در سیر و سلوک و این حرفها هستند می‌گویند که معنای این روایات این است که شیطان از کم شروع می‌کند، اما به کم قانع نیست نفس اماره از کم شروع می‌کند اما به کم قانع نیست و شیطان اول راجع به همین شبهات می‌آید، کم کم نفس جری می‌شود و وقتی نفس جری شد، اول برایش گناه سنگین است، اما کم کم می‌رسد به آنجا که روزی صد تا گناه می‌کند، مثل اینکه اصلاً گناه نکرده است.

به قول امام صادق علیه السلام می‌رسد به آنجا که يك شب صد و بیست پیغمبر را می‌کشد فردا می‌رود سر کارش مثل اینکه هیچ کاری نکرده است.

در مثل این بحث ما این جور تفکر کنیم که همین دروغهای شوخی است که نفس جری می‌شود و انسان دروغ جری هم می‌گوید و همین «؛ گاهی دروغ» است که انسان کذاب می‌شود. دیگر اصلاً می‌رسد به آنجا که ده تا دروغ می‌گوید مثل اینکه اصلاً دروغ نگفته است؛ می‌رسد به آنجا که دیگر اصلاً به طور ناخود آگاه دروغ می‌گوید.

شیطان از کم شروع می‌کند، اما به کم قانع نیست نفس اماره از کم شروع می‌کند اما به کم قانع نیست و شیطان اول راجع به همین شبهات می‌آید.

این بحث را کردم که از نظر قرآن، می‌رسد به آنجا که با خدا هم دروغ می‌گوید و در روز قیامت حسابی به خدا دروغ می‌گوید؛ به خدا می‌گوید خدایا به حق خودت قسم من خوب هستم، تو بیخود می‌خواهی من را به جهنم ببری.

قرآن می‌گوید «؛ اولئك هم الكاذبون» چه دروغی عجیبی است «؛ یوم یبعثهم الله جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شیء الا انهم هم الكاذبون»

این از کجا پیدا می‌شود؟ راستی چه جور می‌شود که در روز قیامت در مقابل خدا در مقابل آن حساب و کتاب، زیر پل همه چیز می‌زند؟ می‌گوید همه اینها دروغ است؛ خدایا خودت هم دروغ می‌گویی خدایا خودت هم می‌خواهی ظلم بکنی؛ این از اول که اینجور نبوده است. شما مسلماً تجربه کردید بچه دوساله اگر يك دروغ بخواهد بگوید رنگش تغییر می‌کند؛ یعنی فطرت بچه درک می‌کند دروغ بد است. درک می‌کند اما این بچه هی دروغ می‌گوید، دروغ می‌گوید، می‌رسد به آنجا «؛ سَمِي فِي السَّمَاءِ كَذَابًا»

بنابر این تقاضایی که از شما دارم، این طور بحث‌های اخلاقی را نبریدش توی اصول؛ نبریدش در فقه توی ان قلت قلت طلبه‌گی؛ بگذارید سر جای خودش باقی باشد.

یعنی معمولاً آدم زرنگ مثل شیخ انصاری است. آنجا که بحث اخلاقی است؛ راستی مثل کسی که اصلاً فقه و اصول بلد نیست. آنجا که بحث اصول و فقه است؛ مثل این که اصلاً وارد اخلاق نیست. و مرد آن است که فیلسوف و عارف باشد؛ اما وقتی وارد در فقه بشود آن عرفانش آن فلسفه‌اش او را کم نکند و من از همه شما تقاضا دارم بحث‌ها را با هم مخلوط نکنید.

شیطان عجیب است؛ می‌گویند مرحوم حاج شیخ غلامرضا یزدی این ملای عارف بعضی اوقات روی منبر می‌فرموده است که همه

شیطان دارند اما غلامرضا، ملا شیطان دارد. خیلی حرف خوبی است. یعنی آن شیاطینی که برای عموم مردم گمارده می‌شوند، غیر از آن شیاطینی است که برای علما گمارده می‌شود؛ آنها ملا شیطان هستند. خیلی خوب می‌توانند توجیه کنند. خیلی خوب می‌توانند گول بزنند. لذا با همین یک جمله انسان گول می‌خورد. لذا همین که این روایت‌ها اخلاقی است، دیگر روایتها رفت کنار.

انسان به کجا می‌رسد؟ انسان در مجالس دروغ و دروغ‌های شوخی و این قصه‌ها، کم کم یک خودش هم دروغ می‌گوید؛ به عنوان دروغ مصلحت‌آمیز. گاهی هم این مصلحت می‌افتد و گاهی هم برای تعریف خودش هی دروغ می‌گوید. گاهی هم دروغ می‌گوید در حالی که مفسده دارد. گاهی هم کم کم می‌رسد به آنجا که «سمی فی السماء کذابا» و ما باید بحثهای اخلاقی را این جور جلو برویم

و راستی من تقاضا دارم از شما دروغ نگویند و لو دروغ شوخی. نمی‌شود که انسان به عنوان دروغ مصلحت‌آمیز، مرتب دروغ بگوید. مرحوم حاج شیخ غلامرضا یزدی گاهی روی منبر می‌فرموده که همه شیطان دارند؛ اما غلامرضا، ملا شیطان دارد. یعنی آن شیاطینی که برای عموم مردم گمارده می‌شوند، غیر از آن شیاطینی است که برای علما گمارده می‌شود؛ آنها ملا شیطان هستند.

شایعه

قسم هشتم که وا مصیبتا مخصوصا امروز و زمان ما. دروغ مشکوک است. به این می‌گویند شایعه. انسان یک چیزی را نقل کند که نمی‌داند راست است یا نه.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام هردو -روایت هم نبوی است هم علوی- می‌فرماید «کفی بالمرء کذابا ان یحدث بكل ما سمع» بنا بر این طبق این روایت ما همه دروغ گو هستیم. نکند یک دفعه در عالم ملکوت این طور باشد «سمی فی السماء کذابا» و این روایت که من نقل می‌کنم هم نبوی است هم علوی. کلمات قصار در کلمات پیغمبر هم آمده است.

شایعه را معمولاً آدم‌های رذل اختراع می‌کنند. اختراعش معمولاً مال مردم نیست. حتی مردمی که اسلام هم نداند اما بد جنس نیستند، آلت دست استکبار نیستند، اختراع دروغ و شایعه نمی‌کنند و آن را بد می‌دانند. مثلاً جلسه چند نفری دشمن می‌نشینند با هم یک شایعه درست می‌کنند و می‌گویند این شایعه را بدهید دست مردم. آن وقت مثلاً این سه چهار نفر این به او، او به او؛ ناگهان شب شایعه تمام اصفهان را گرفته؛ ده روز بعد تمام ایران را گرفته است.

رسانه‌های گروهی که از استکبار جهانی هستند، کارشان همین است: اختراع شایعه. اما بلندگو چه کسی؟ گوی ما قرآن خیلی داغ روی این شایعه صحبت دارد. من نمی‌دانم چه جور است که گناهی که بر آن بار شده بدتر از دروغ گفتن است «قتل الخراصون الذین هم فی غمره ساهون» سوره ذاریات، آیه 10. وای به شایعه پخش کن، آن که مثل کرم ابریشم در خود می‌تند؛ آن که در تخیل خود می‌تند؛

یعنی بدون فکر سخن می‌گوید؛ بدون [بررسی] این که راست است یا دروغ؟ مفسده دارد یا نه؟ اهمیت نمی‌دهد؛ تخیلی کار می‌کند؛ بی فکر کار می‌کند؛ بی فکر می‌گوید و شایعه همین طور است.

در قرآن قتل الکذابون نداریم؛ ویل داریم: «ویل لكل افاک اثم» نه قتل. مرگ بر آن کسی که شایعه پخش می‌کند. در جای دیگر هم قرآن می‌فرماید گناهش خیلی بزرگ است. [شایعه را] کم می‌شماریم، اما قرآن می‌گوید نه کم نشمارید، خیلی بزرگ [است]: «اذ تلقونه بالسننکم و تقولون بافواهمک ما لیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عند الله عظیم» نور(15).

این لقلقه لسان است. «تلقون بالسننکم» بدون فکر. «تقولون بافواهمک» با تخیل، بدون فکر چنین گفتن، چنین شنیدن، «و تحسبونه هینا» و این‌ها را هم چیزی به حساب نمی‌آوریم. الان هم وضع ما طلبه‌ها همه [چنین است]. می‌رسد: سلام علیکم چه خبر؟ شروع می‌کند: شنیده‌ام چنین گفته‌اند. این، همه جا الان هست؛ همیشه بوده است.

و این گناه خیلی بزرگ است. چیزی که باید توجه داشته باشیم که قرآن را خیلی عصبانی کرده است؛ [این است] که خیال نکنید این شایعه چیز کمی است؛ ناگهان افک می‌شود، آن هم با زن پیغمبر! آنهایی که قضیه افک را جلو آوردند مسلمان بودند. این‌ها آدم‌های حسابی بودند؛ با پیغمبر از مکه بر می‌گشتند.

قضیه افک را می‌دانید. اینجوری است که عایشه یک کار بی‌جای کرد؛ یک کاری که باید احتیاط کند نکرد؛ این که بولش گرفت و شتر را خواباند به عنوان بول کردن؛ قافله رفت و او تنها ماند؛ یک عربی [که او هم از قافله] عقب مانده بود رسید؛ دید که یک زنی اینجا هست؛ رفت جلو دید که عایشه است؛ خوب با یک احترام خاصی عایشه را سوار کرد و آورد به قافله رساند. یک مریضی، یک منافق گفت که این یک توطئه است؛ این‌ها با هم وعده کرده بودند؛ این [مطلب] را دست مسلمانها داد؛ ناگهان پیغمبر دید که همه می‌گویند عایشه رفیق دارد. ام المومنین است؛ این خیلی برای پیغمبر ننگ شد؛ خیلی برای پیغمبر سنگین شد؛ برای اسلام خیلی ضربه شد. حالا پیغمبر چه بکند؟ بالاخره آیات افک آمد. آیاتی که راجع به افک است خیلی داغ است که این مزخرف‌ها چیست که می‌گویند؟ این دروغ است.

مرادم [این] است که اگر انسان شایعه پراکن شد، دیگر راجع به خوب و بد حساب نمی‌کند. می‌رود بالا تا می‌رسد به پیغمبر اکرم. قضیه افک هم که در قرآن آمده است، برای همین است. شاید این «قتل الخراصون» که این قدر داغ است، برای همین است.

همین ما طلبه‌ها ... طلبه‌ها خیلی افتخار دارند که تشیع را تا اینجا آورده‌اند؛ اگر روحانیت نبود الان تشیع نبود؛ این نظام فقط مرهون روحانیت [است]؛ نه، تشیع مرهون روحانیت [است]. ... کارش هم ترویج دین است. حالا بر فرض هم بعضی بد باشند، کم هستند

روحانیت خیلی خوب است بر روی هم.

اما در همین روحانیت، [اگر کسی] يك شایعه راجع به مراجع تقلید، راجع به مرجعی، راجع به عالمی، اختراع بکند؛ ناگهان توی طلبه‌ها پخش بشود، دلیل بر این است که اگر پیغمبر هم بود همین بود. امام هم بود همین بود.

وقتی که انسان به شایعه عادت کرد، دیگر برای بازاری، برای فاسق و فاجر، برای عادل، برای مسجدی‌ها، برای روحانیت، برای مرجع تقلید، می‌گوید: چنین می‌گویند؛ از عهده خودش هم بیرون می‌کند؛ بعد هم می‌گویند چرا گفتی؟ می‌گوید: ما هم شنیدیم. حالا این را قرآن می‌گوید تو غلط کردی که نقل کردی که شنیدی.

[همین که] پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین می‌گوید «کفی بالمرء کذباً ان يحدث بكل ما سمع« بس است که به تو بگویند دروغگو؛ این که هرچه شنیدی نقل میکنی

شایعه

[در مقابل شایعه چه باید کرد؟]

و حالا چه باید کرد؟ چه باید گفت؟ الان مجالس ما، گفتگوی ما، وضع ما، روی شایعه می‌گردد و انسان اگر چیزی را شنید [باید] از همان اول جلو بگیرد.

يك نام، سخن چینی آمد پیش مرحوم حاج شیخ [عبد الکریم حائری] «رضوان الله تعالی علیه« و گفت: فلانی پشت سر شما چنین گفته. مرحوم حاج شیخ فرمودند: آن که نمی‌دانم گفته یا نه، اصالت الصحه اسلامي گفته که نگفته. اما تو، قرآن می‌گوید که نام و سخن چین هستی «ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا« حجات(6) قولت باید قبول باشد [که] نیست؛ پس برو گمشو! دیگر شایعه پیدا می‌شود؟ دیگر نام و سخن چین پیدا می‌شود؟ این حرف مرحوم حاج شیخ است سر مشق يك مرجع تقلید است که باید برای همه ماها سر مشق باشد.

[ولی ما] اگر شایعه يك قدری هم بزرگ باشد؛ به قول عوام: دو تا چشم داریم، دو تا چشم دیگر هم قرض کنیم و خیره می‌شویم که بیشتر بگویند؛ یعنی بیشتر ما را توی جهنم ببرد

و باید برای شایعه فکری کرد. خیلی بد شده است. گناه این قدر بزرگ! مفسده این قدر بالا! اما ابهتش این قدر به طور کلی رفته؛ حتی در میان ما طلبه‌ها؛ چه رسد در میان مقدس‌های غیر طلبه؛ چه رسد در میان عموم مردم و خیلی بد است و خودتان باید بنشینید فکرش را بکنید این شایعه را چه باید کرد؟

این که قرآن این قدر زنگ خطر می‌زند که ای «شایعه پخش کن«، نه «شایعه اختراع کن«. شایعه اختراع کن که وامصیبتا؛ [ای] شایعه پخش کن، تو دروغگو هستی؛ در عالم ملکوت سمت دروغگو است؛ «کفی بالمرء کذباً ان يحدث بما سمع« قرآن می‌گوید مرگ بر تو ای شایعه پخش کن؛

قرآن می‌گوید «و لا تقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسئولا« پیروی نکن از چیزی که علم نداری؛ از شایعه پیروی نکن یعنی نقل نکن، قبول نکن. با دلیل باید قبول کنی؛ این چشم تو، این گوش تو، این دل تو در روز قیامت از او سؤال می‌شود. سؤال این است که [ای] چشم چرا دیدی؟ [ای] گوش چرا شنیدی؟ [ای] دل چرا باور کردی؟ یعنی يك شایعه را گوش می‌شنود، دل باور می‌کند، زبان نقل می‌کند. قرآن می‌فرماید همه اینها در روز قیامت سؤال می‌شود.

وقتی که قدری فکرش را بکنیم، ریشه یابی بکنیم که شایعه هم دروغ است هم تهمت، هم ریاست، هم خدعه، هم کذب مفسده زا. و این جورها می‌شود که بعضی اوقات انسان بدون فکر يك چیزی می‌گوید، يك کاری می‌کند، ناگهان می‌بیند هفت هشت گناه برای همین شد.

يك طلبه آن است با دلیل بگوید؛ با دلیل بشنود؛ با دلیل کار کند؛ حتی با دلیل بخوابد؛ با دلیل بنشیند؛ با دلیل بایستد. در عمق ذات طلبه دلیل خوابیده است؛ ان قلت قلت خوابیده است. ان قلت قلت طلبگی این نیست که دو نفر بنشینیم مباحثه ان قلت قلت بکنیم و به جدال برگردد؛ نه [بلکه] ان قلت قلت در ذات ما، [یعنی] تا شایعه را گفت بگوییم به چه دلیل؟ و جلو را بگیریم. شایعه را باید جلویش را گرفت و الا خیلی مفسده دارد.

چیزی را که در آخر کار عرض کنم: این شایعه گاهی تهمت است. معمولاً هم این جور است. صد نودش به آن قسم اول بر می‌گردد؛ تهمت است. گاهی هم تهمت به خدا و رسول، تهمت به مراجع تقلید. بالایی است صد نود شایعات تهمت است. گاهی هم دروغ است؛ آن هم دروغ مفسده زا؛ گاهی خدعه است که صد نودش علاوه بر این که تهمت است، خدعه است؛ زیرا آن کسی که اختراع می‌کند برای این که مردم را گول بزند، برای این که شخصیت دیگران را بکوبد، برای این که ریا کاری بکند، [خدعه می‌کند]

لذا وقتی که قدری فکرش را بکنیم، ریشه یابی بکنیم که شایعه هم دروغ است هم تهمت، هم ریاست، هم خدعه، هم کذب مفسده زا. و این جورها می‌شود که بعضی اوقات انسان بدون فکر يك چیزی می‌گوید، يك کاری می‌کند، ناگهان می‌بیند هفت هشت گناه برای همین شد.

قسم نهم دروغ که برای جلسه بعدی که هم خیلی هم به درد مان می‌خورد، راست دروغ نما است. بعضی اوقات روی منبر يك چیزی نقل می‌کند، روایت هم هست، اما نباید نقل بکند. [مطلبی است که] زیاد توی این کتابها پیدا می‌شود [اما] برای کتاب‌ها خوب است، برای طلبه‌ها خوب است، بحث علمی‌اش خوب است [نه برای گفتن روی منبر] و هوچی بازي در می‌آید. والسلام علیکم رحمة الله و برکاته

منبع: سایت آیت الله مظاهری، درس اخلاق شماره 201